

کتاب یوئیل و کلیسای لاودیکہ ای ادونتیکست ہای روز ہفتم - شمارہ دو

Jeff Pippenger

2025-12-02

شمارہ دو

”اس شدید اشتیاق کے ساتھ میں اُس وقت کا انتظار کر رہا ہوں جب یوم پنتیکست کے واقعات اُس موقع سے بھی زیادہ قدرت کے ساتھ دوبارہ رونما ہوں گے۔ یوحنا کہتا ہے، ”میں نے ایک اور فرشتہ آسمان سے اترتے دیکھا، جس کے پاس بڑا اختیار تھا؛ اور زمین اُس کے جلال سے منور ہو گئی۔“ پھر، جیسے پنتیکست کے زمانہ میں ہوا تھا، لوگ سچائی کو اپنے لیے بولا جاتا سنیں گے، ہر شخص اپنی اپنی زبان میں۔

»خدا می تواند در هر جان که صمیمانه آرزومند خدمت به اوست، حیاتی نو بدمد، و لبها را با اخگری افروخته از مذبح لمس کند، و سبب شود که به ستایش او فصیح گردند. هزاران صدا به قدرتی آکنده خواهند شد تا حقایق شگفت انگیز کلام خدا را بیان کنند. زبان لکنت دار گشوده خواهد شد، و ترسویان نیرو خواهند یافت تا با دلیری برای حقیقت شهادت دهند. باشد که خداوند قوم خویش را یاری دهد تا هیکل جان را از هر آلودگی پاک سازند، و چنان پیوندی نزدیک با او نگاه دارند که چون باران آخر فرو ریزد، از آن بهره مند گردند.« Review and Herald, July 20, 1886.

پنتیکاست، ہنگامی کہ بہ عنوان یکی از اعیاد خداوند در نظر گرفته شود، از فصیح، عید نان فطیر، تقدمہ نوپرها و عید ہفتہ ہا قابل تفکیک نیست۔ پنتیکاست یک دورہ زمانی است، ہرچند در عین حال یک نقطہ زمانی نیز ہست۔ از این رو آن را «فصل پنتیکاستی» می نامند۔ این فصل با مرگ، دفن و رستاخیز مسیح آغاز شد۔ پس از عروج خود، مسیح چہل روز تعلیم شخصی را آغاز کرد کہ در پی آن دہ روز در بالاخانہ سپری شد، جایی کہ یگانگی حاصل گردید۔ 9/11 دورہ ای را آغاز کرد کہ بہ قانون یکشنبہ در ایالات متحدہ پایان می یابد۔ آن قانون یکشنبہ بہ وسیلہ روز پنتیکاست بہ عنوان یک نقطہ زمانی نمود یافته است؛ نقطہ ای در زمان کہ پیش از آن دورہ ای زمانی قرار داشتہ کہ از 9/11 آغاز شدہ است۔ از 9/11 تا قانون یکشنبہ، «فصل پنتیکاستی» تکرار می شود۔

پطرس توضیح داد کہ پدیدہ معجزہ آسای «زبان های آتشین» نہ یاوہ گویی ناشی از مستی، بلکہ تحقق کتاب یوئیل بود، زیرا بر ضد آن پیام جدالی برانگیخته شدہ بود۔ «زبان ها» نمایانگر ارانہ یک پیام اند، و آتش نمایانگر روح القدس است۔ پیام پنتیکاست نمایانگر آمیزہ ای از الوہیت است (خدا آتش فروبرندہ است) با انسانیت زبان۔ همان گونه کہ پطرس در زمان باران آخر نمایندہ صد و چہل و چہار ہزار تن است، همان گونه نیز یہودیان خردہ گیر نمایانگر قومی از عہد سابق اند کہ درست در همان لحظہ زمانی کہ باران آخر در حال باریدن است، از آنان عبور می شود۔

देता वाणी उन्हें आत्मा जैसा, लगे बोलने भाषाएँ अन्य और, गए हो परंपूर्ण से आत्मा पवतिर सब वे और फैल बात यह जब थे। रहते यहूदी भक्त हुए आए से मे जात एक हर की नीचे के आकाश में यरूशलेम और था। सुनता बोलते में भाषा ही अपनी उन्हें मनुष्य एक हर क्योंकि, गई रह चकति और गई हो इकट्ठी भीड़ तो, गई गलीली है रहे बोल जो सब ये क्या, देखो, लगे कहने में आपस होकर अचंभति और वस्मिति सब वे और था। ,मादी, पार्थी? है सुनता कैसे, हुए उत्पन्न हम जसिमें, में भाषा नजि उसी अपने एक हर से में हम फिर? है नहीं पम्फूलिया और फूलगया; नविसी के आसिया और पुनतुस, कप्पदुकिया, यहूदिया, मेसोपोटामिया और, एलामी यहूदी और यहूदी, परदेशी हुए आए से रोम और, के भागों के लूबिया के पास-आस के कुरेने और, के मसिर, के का कामों महान के परमेश्वर में भाषाओं अपनी-अपनी उन्हें हम—अरबी और क्रेती, करनेवाले ग्रहण मत

परन्तु? है अर्थ क्या इसका, थे कहते मे आपस हुए घबराए और थे वसिम्ति सब वे और है। सुनते करते वर्णन ऊँचे होकर खड़ा साथ के ग्यारहों उन पतरस तब है। मतवाले से दाखमधु नई लोग ये, कहा करके ठट्ठा ने औरों और, लो जान तुम बात यह, नविसयिो सब के यहूशलेम हे और, पुरुषो के यहूदयिा हे, लगा कहने उनसे से शब्द तीसरा का दनि अभी क्योकि, है नही मतवाले ये, हो समझते तुम जैसा क्योकि, लगाओ कान पर वचनो मेरे । 2:4-15 काम के प्रेरितो है। ही पहर

पطرس، عید پنطیکاست را به مثابه تحقق کتاب یوئیل توضیح می‌دهد. او این کار را به گونه‌ای نبوتی انجام می‌دهد، آنگاه که تمام جهان نمایندگی می‌شود، زیرا در آن آیه آمده است که حاضران «از هر امت زیر آسمان» آمده بودند. در ۹/۱۱، زمین به جلال مسیح منور گردید، و سپس بار دیگر در قانون یک‌شنبه، آن یکصد و چهل و چهار هزار تن، چون به عنوان علمی در برابر تمامی جهان برافراشته شوند، جلال مسیح را به طور کامل منعکس خواهند کرد. دوره پنطیکاست از ۹/۱۱ آغاز شد و در قانون یک‌شنبه پایان می‌یابد.

«هیچ‌یک از ما هرگز مهر خدا را دریافت نخواهیم کرد، مادام که بر منش ما حتی یک لکه یا آلودگی باقی باشد. بر عهده ما گذاشته شده است که عیب‌های منش خود را اصلاح کنیم و هیکل جان را از هر ناپاکی پاک سازیم. آنگاه باران آخر بر ما خواهد بارید، همان‌گونه که باران اول بر شاگردان در روز پنطیکاست بارید.»

"ما به آسانی از دستاوردهای خود خشنود می‌شویم. احساس می‌کنیم دولتمند شده‌ایم و بر اموال خود افزوده‌ایم، و نمی‌دانیم که «شقی و رقت‌انگیز و فقیر و کور و عریان» هستیم. اکنون وقت آن است که به اندرز شاهد امین گوش فرا دهیم: «تو را نصیحت می‌کنم که از من طلای مصفا به آتش بخری تا دولتمند شوی؛ و جامه سفید تا پوشیده گردی و رسوایی عریانی تو ظاهر نشود؛ و سرمه بر چشمان خود بکشی تا بینا شوی.» ..."

«اکنون است که باید خود و فرزندانمان را از آلودگی جهان بی‌لکه نگاه داریم. اکنون است که باید جامه‌های سیرت خویش را بشوییم و آنها را در خون بره سفید گردانیم. اکنون است که باید بر غرور، هوس، و سستی روحانی غلبه کنیم. اکنون است که باید بیدار شویم و برای تناسب و توازن شخصیت، کوششی قاطعانه به کار بریم. "امروز اگر آواز او را بشنوید، دل‌های خود را سخت مسازید." ما در وضعیتی بس دشوار قرار داریم و در انتظار ظهور خداوند خود، چشم به راه و بیدار ایستاده‌ایم. جهان در تاریکی است. «اما شما، ای برادران،» پولس می‌گوید، «در تاریکی نیستید تا آن روز چون دزد شما را فرو گیرد.» همواره مقصود خدا این بوده است که از تاریکی نور پدید آورد، از اندوه شادی، و برای جان منتظر و مشتاق، از فرسودگی آرامش.»

«ای برادران، در این کار بزرگ آماده‌سازی چه می‌کنید؟ آنان که با جهان متحد می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و برای نشان وحش آماده می‌گردند. اما آنان که به خویشتن اعتماد ندارند، که خود را در حضور خدا فروتن می‌سازند و جان‌های خویش را با اطاعت از حقیقت طاهر می‌گردانند، اینان قالب آسمانی را دریافت می‌کنند و برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌شوند. هنگامی که فرمان صادر گردد و آن نقش نهاده شود، شخصیت ایشان تا ابد پاک و بی‌لکه باقی خواهد ماند.»

«اکنون زمان آماده شدن است. مهر خدا هرگز بر پیشانی مرد یا زن ناپاک نهاده نخواهد شد. هرگز بر پیشانی مرد یا زن جاه‌طلب و دنیاپرست نهاده نخواهد شد. هرگز بر پیشانی مردان یا زنانی که زبان دروغگو یا دل فریبکار دارند نهاده نخواهد شد. همه آنان که مهر را دریافت می‌کنند، باید در حضور خدا بی‌لکه باشند—نامزدهای آسمان. ای برادران و خواهرانم، پیش روید. من در این زمان فقط می‌توانم درباره این نکات به اختصار بنویسم و صرفاً توجه شما را به ضرورت آمادگی جلب کنم. خودتان کتب مقدس را تفحص کنید تا هولناکی وقارآمیز ساعت حاضر را دریابید.»

در اینجا خواهر وایت پنتیکاست را به عنوان نقطه‌ای در زمان مشخص می‌سازد و آن را با قانون یکشنبه در ایالات متحده، «آنگاه که فرمان صادر می‌شود»، همسو می‌داند. با این همه، هرچند او قانون یکشنبه و پنتیکاست را به عنوان نقطه‌ای در زمان معین می‌کند، پیام او که دعوت به آمادگی است دوره‌ای را مشخص می‌سازد که پیش از قانون یکشنبه قرار دارد و به واسطهٔ موسم پنتیکاست به طور نمادین نشان داده شده است. قانون یکشنبه آزمون سبت روز هفتم است، و دوره از 11 سپتامبر تا قانون یکشنبه را می‌توان «روز آمادگی خداوند» به معنای نمادین آن دانست. آمادگی پیش از آزمون قرار می‌گیرد.

«باران آخر» بر آن یکصد و چهل و چهار هزار تن «خواهد بارید»، همان گونه که «باران اول بر شاگردان در روز پنتیکاست بارید.» دوره‌ای که به عنوان موسم پنتیکاست نمایش داده شده است، با نمپاشی‌ای آغاز شد، هنگامی که مسیح پس از عروج خود بازگشت.

اور یہ کہہ کر اُس نے اُن پر پھونکا اور اُن سے کہا، تم روح القدس حاصل کرو۔ یوحنا 20:22.

نَفْسُهُ يَنْقُلُ الرُّوحَ الْقُدُسَ، وَالنَّفْسُ هُوَ مَا يُحْدِثُ صَوْتَ الْكَلِمَاتِ. يَسُوعُ هُوَ الْكَلِمَةُ، وَنَفْسُهُ يَنْقُلُ الرُّوحَ الْقُدُسَ مِنْ خِلَالِ إِصْصَالِ كَلِمَتِهِ. النَّفْسُ هُوَ الَّذِي أَحْيَا جَسَدَ آدَمَ، وَالنَّفْسُ هُوَ الَّذِي يُحْيِي جِيشَ حَزَقِيَالٍ مِنَ الْعِظَامِ الْيَابِسَةِ الْمَيِّتَةِ الْمَقَامَةِ.

«عمل مسیح در دمیدن روح القدس بر شاگردانش و در بخشیدن سلام خود به ایشان، همچون چند قطره‌ای پیش از باران فراوانی بود که در روز پنتیکاست عطا می‌شد.» روح نبوت، جلد ۳، ۲۴۳.

در آغاز فصل پنتیکاست، «نفس» مسیح روح القدس را به شاگردان عطا کرد، اما برخی تردید کردند.

لیکن توما، جو باره میں سے ایک تھا اور دیدمُس کہلاتا تھا، اُس وقت اُن کے ساتھ نہ تھا جب یسوع آیا۔ پس دوسرے شاگردوں نے اُس سے کہا، ہم نے خداوند کو دیکھا ہے۔ لیکن اُس نے اُن سے کہا، جب تک میں اُس کے ہاتھوں میں کیلوں کے نشان نہ دیکھ لوں، اور اپنی انگلی کیلوں کے نشانوں میں نہ ڈالوں، اور اپنا ہاتھ اُس کے پہلو میں نہ رکھوں، میں برگز ایمان نہ لاؤں گا۔ یوحنا 2:24، 25.

دوران پنتیکاست با دوره‌ای از «آزمودن» آغاز شد، که با نفس مسیح و مجادلهٔ شک توما شروع گردید. مجادله توما در آغاز، نمونهٔ مجادلهٔ یهود در پایان فصل پنتیکاست است. مسیح در آغاز، کلام خود و روح القدس را به شاگردان عطا کرد، و شاگردان در پایان فصل پنتیکاست، کلام و روح القدس را به جهان عطا کردند.

کاری که مسیح هنگامی که بر شاگردان دمید به انجام رسانید، شاهی دوم بر همان کاری بود که او اندکی پیش با شاگردان در راه عمانوس به انجام رسانیده بود.

و واقع شد که چون ایشان با یکدیگر گفت و گو و مباحثه می‌کردند، خود عیسی نزدیک آمده، با آنان همراه شد. اما چشمان ایشان بسته نگاه داشته شد تا او را شناسند. ...

پس او به ایشان گفت: ای بی‌خردان و دیردلان در ایمان آوردن به همه آنچه انبیا گفته‌اند! آیا مسیح نمی‌بایست این رنج‌ها را متحمل شود و به جلال خود داخل گردد؟ و از موسی و جمیع انبیا آغاز کرده، در همه کتب، امور مربوط به خویش را برای ایشان تفسیر فرمود. و چون به آن قریه‌ای که بدان می‌رفتند نزدیک شدند، او چنان نمود که گویی می‌خواهد فراتر برود. اما ایشان او را اصرارکنان نگاه داشتند و گفتند: با ما بمان، زیرا نزدیک شام است و روز به سر آمده است. پس داخل شد تا با ایشان بماند. و واقع شد، هنگامی که با آنان بر سفره نشسته بود، نان را گرفت و برکت داد و پاره کرد و به ایشان داد. آنگاه چشمان ایشان گشوده شد و او را شناختند؛ و او از نظر

ایشان ناپدید شد. و به یکدیگر گفتند: آیا دل ما در اندرون ما مشتعل نمی‌شد، هنگامی که در راه با ما سخن می‌گفت و کتاب‌ها را برای ما می‌گشود؟ لوقا 24:15، 16، 25-32.

درست همان‌گونه که عیسی در یمائوس «با ایشان به غذا نشسته بود»، پس از آن نیز با شاگردان غذا خورد. در هر دو مورد، خوردن به تصویر کشیده شده است. این دو با هم نشان می‌دهند که آغاز دوره پنطیکاست با نفس روح القدس و نیز با خوردن مشخص می‌گردد. رویدادهای آغازین، مناقشه‌ای میان گروهی که ایمان می‌آوردند و گروهی که تردید می‌کنند، پدید می‌آورد. خوردن، افاضه روح القدس، و گشوده شدن کتب مقدس، همگی دربرگیرنده این معناست که مسیح تعلیم خود را با «موسی و همه انبیا» آغاز کرد. تعلیم مسیح از طریق برگرفتن خط نبوتی موسی و همسو ساختن آن با خطوط همه انبیا، «اینجا اندکی و آنجا اندکی»، انتقال یافت.

در ۹/۱۱، نفس چهار باد حزقیال بر استخوان‌های خشک و مرده باب سی و هفتم وزید. در آن زمان، چنان‌که به واسطه آن فرشته که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد و پیام فرشته اول را قدرت بخشید، به‌گونه‌ای نمادین نشان داده شده است، فرشته مکاشفه هجده با پیامی فرود آمد که باید خورده شود؛ همان‌گونه که شاگردان در آغاز دوره پنطیکاست خوردند. امتناع توما از ایمان آوردن نشان می‌دهد که هنگامی که پیام معرفی می‌شود، تکانی مشخص می‌گردد.

در سخن از فرو ریختن برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر، به ما گفته شده است که خداوند برخاست تا «قوم‌ها را به طرزی هولناک بلرزاند.» مهم است به یاد داشته باشیم که یک «تکان» در میان قوم خدا به وسیله کسانی پدید می‌آید که بر ضد پیامی از حقیقت می‌جنگند. «تکان‌ها»یی هستند که بیرونی‌اند، اما تکان‌های درونی در کلیسا در فضای ارائه شدن یک پیام رخ می‌دهند.

«از معنای آن تکانی که دیده بودم پرسیدم، و به من نشان داده شد که آن به سبب شهادت صریحی خواهد بود که به وسیله مشورت شاهد امین و راستین به لائودیکیان فراخوانده شده است. این شهادت بر دل پذیرنده آن اثر خواهد گذاشت و او را برخواید انگیخت تا معیار را برافرازد و حقیقت صریح را اعلام کند. برخی این شهادت صریح را تاب نخواهند آورد. آنان در برابر آن برخوایند خاست، و این همان چیزی است که سبب تکانی در میان قوم خدا خواهد شد.»

«visto que no se ha prestado ni la mitad de la atención debida al testimonio del 271»
Testigo Fiel. El solemne testimonio del cual depende el destino de la iglesia ha sido tenido en poco, cuando no enteramente desatendido. Este testimonio debe producir un profundo arrepentimiento; todos los que en verdad lo reciban le obedecerán y serán purificados». Primeros Escritos, 271»

لرزش درونی به سبب کسانی پدید می‌آید که در برابر ارائه پیام لائودیکیه مقاومت می‌کنند. خواهر وایت، پیام جونز و واگنر در سال ۱۸۸۸ را همان پیام لائودیکیه معرفی می‌کند.

«پیامی که به وسیله ا. ت. جونز و ا. ج. واگنر به ما داده شد، پیام خدا به کلیسای لائودیکیه است، و وای بر هر کسی که ادعای ایمان به حقیقت دارد و با این حال، پرتوهای خداداد را به دیگران منعکس نمی‌سازد.» The 1888 Materials, 1053.

مقاومت در برابر پیام لائودیکیه‌ای لرزشی پدید می‌آورد، و خواهر وایت پیام ۱۸۸۸ را با فرود آمدن فرشته مکاشفه هجده همسو می‌سازد.

„חוסר נכונות לוותר על דעות קדומות שנקבעו מראש, ולקבל אמת זו, היה מונח ביסודו של חלק גדול מן ההתנגדות שהתגלתה במיניאפוליס נגד מסר ה' באמצעות האחים ואגנר וג'ונס. על-ידי עוררו התנגדות זו הצליח השטן למנוע מעמנו, במידה רבה, את הכוח המיוחד

של רוח הקודש אשר אלוהים נכסף להעניק להם. האויב מנע מהם להשיג את היעילות אשר יכלה להיות להם בהבאת האמת אל העולם, כפי שהשליחים הכריזו עליה לאחר יום הפנטקוסט. האור אשר עתיד להאיר את כל הארץ בכבודו זכה להתנגדות, ובפעולתם של אחינו שלנו הורחק, במידה רבה, מן העולם. "Selected Messages, book 1, 235.

שֶׁכֶּ תומא در آغاز فصل پنتیکاست، که نمونه‌وار دلالت بر عصیان بر ضد پیامی داشت که در روز پنتیکاست رسید، همچنین لرزشی را نمونه‌وار نشان می‌داد که هنگامی رخ داد که رهبری ادونتیسیم روز هفتم برخاست و در برابر پیغام به کلیسای لائودکیه، آن‌گونه که جونز و واگنر در ۱۸۸۸ ارائه کردند، ایستادگی نمود. در سال ۱۸۸۸، فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد تا زمین را با جلال خویش روشن سازد، اما تا حد زیادی به سبب بی‌میلی آن رهبران به کنار نهادن داورهای و عقاید از پیش‌پنداشته، عصیان قورح، داتان و ابیرام تکرار شد. توما، یهودیان در پنتیکاست، عصیان قورح در زمان موسی، و عصیان ۱۸۸۸، همگی نمونه‌وار به ۱۱ سپتامبر اشاره دارند، زمانی که بنا بر یوئیل—شیپوری می‌بایست نواخته شود. آن شیپور، بنا بر اشعیا، نواخته شد تا گناهان قوم خدا آشکار گردد، و بدین‌سان نمونه‌وار به ۱۸۸۸ و پیام به لائودکیه دلالت می‌کرد. دیده‌بان ارمیا، که شیپور را می‌نوازد تا به «راه‌های قدیم» بازگردند، با اشعیا که آواز خویش را همچون شیپور بلند می‌کند، هم‌سو است. دیده‌بانان ارمیا همان دیده‌بانان حقوق‌اند که این پرسش را مطرح می‌کنند که جایگاه او در مجادله یا مناظره تاریخش چه خواهد بود؟

بر برج دیدبانی خویش خواهم ایستاد، و بر فراز برج قرار خواهم گرفت، و دیده‌بان خواهم بود تا ببینم او با من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم، چه پاسخ خواهم داد. حقوق ۱:۲.

لفظ «توبیخ‌شده» به معنای «سرزنش‌شده یا مورد مجادله قرارگرفته» است و متضمن یک پرسش می‌باشد، زیرا آیه بعد پاسخ آن را ارائه می‌کند.

و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها به‌روشنی نقش کن، تا هر که آن را می‌خواند، بدود. حقوق ۲:۲.

«مناظره» یا تزلزلی که در تحقق تاریخ میلری آغاز شد، پیام ویلیام میلر و قواعد او برای تفسیرهای نبوی در برابر الهی‌دانان پروتستانتیسم بود. مناظره در تاریخ میلری با تأیید پیام میلری در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شد، هنگامی که «شخصیتی نه کمتر از خود عیسی مسیح» با کتابچه‌ای کوچک فرود آمد که یوحنا می‌بایست آن را بگیرد و بخورد. مجادله دیده‌بانان حقوق، تردیدهای توما، عصیان ۱۸۸۸، شورش قورح، و مجادله مستی در روز پنتیکاست، همگی بر مناظره‌ای گواهی می‌دهند که در ۹/۱۱ آغاز شد. آن جدالی که مورد بحث است، درباره پیام باران آخر است که در ۹/۱۱ آغاز به باریدن نمود کرد.

پاسخ موجود در حقوق که میلری‌ها را به تهیه نمودار ۱۸۴۳ رهنمون شد، با شکل‌گیری دو طبقه از عبادت‌کنندگان مرتبط است که در اجرای قورح و همراهانش در برابر موسی، در توما و دیگر شاگردان، در استدلال یهودیان درباره مستی در روز پنتیکاست، در رهبری ادونتیسیم در ۱۸۸۸، در پروتستان‌ها در برابر میلری‌ها در ۱۸۴۴، و در باکره‌های دانا و نادان ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به تصویر کشیده شده‌اند.

در ۹/۱۱، مسیح بر شاگردان خود روح‌القدس را دمید؛ چون چند قطره‌ای اندک پیش از ریزش کامل در قانون یکشنبه. سپس فهم ایشان را نسبت به پیام نبوی گشود و «حکم بر حکم» را از موسی آغاز کرد، و آن شاگردان را به راه‌های قدیم ارمیا بازگردانید؛ جایی که برای نواختن شیپور هشدار مسح شده بودند. نفس مسیح در ۹/۱۱ از چهار باد حزقیال و یوحنا آمد، و آن همان پیام لائودکیه بود که «شهادت

مستقیم» است و چون در برابر آن مقاومت می‌شود، لرزشی پدید می‌آورد. ۱۸۸۸ نمونه‌وار عصیان قورح، داتان و ابیرام است، زیرا نه تنها خود پیام رد می‌شد، بلکه دیده‌بانان برگزیده‌ای نیز که شیپور را با آوایی معین به صدا درمی‌آوردند، مردود شمرده می‌شدند.

خواهر وایت نوشت که «تکان دادنی را که دیده بودم» «شهادت صریحی پدید خواهد آورد که به واسطه اندرز شاهد امین به لاودیکیان برانگیخته شده است.» پیام ۱۸۸۸ همان شهادت صریح بود، و هر دو ۱۸۸۸ و ۱۱ سپتامبر، فرود فرشته مکاشفه هجده را نشان می‌دهند.

«باید به کلیساها و نهادهای ما شهادتی صریح داده شود تا خفتگان بیدار گردند.»

«se cree y se obedece la palabra del Señor, se logrará un progreso constante. 1902»
Veamos ahora nuestra gran necesidad. El Señor no puede usarnos hasta que infunda vida en los huesos secos. Oí que se pronunciaban estas palabras: "Sin la profunda acción del Espíritu de Dios sobre el corazón, sin su influencia vivificante, la verdad se convierte en letra muerta."» Review and Herald, 18 de noviembre de 1902»

در 11/9، پیام لائودکیه به کمال تحقق خود رسید، زیرا آخرین ندای خطاب به قوم عهد پیشین خدا آغاز شد که طنین‌افکن گردد. در همان هنگام است که خواهر وایت خاطرنشان می‌سازد: «باید شهادتی صریح به کلیساها و مؤسسات ما داده شود تا خفتگان را بیدار سازد.» پیام لائودکیه هنگامی آغاز شد که فرشته مکاشفه هجده در 11/9 فرود آمد؛ و این بدان معناست که در 11/9، پیام خطاب به ادونتیس‌های روز هفتم لائودکیه این بود و هست که «بیدار شوید.» یوئیل در آیه پنج باب اول، میگساران را فرمان می‌دهد که بیدار شوند. 11/9 نشانه فرارسیدن آخرین دوره آزمون برای ادونتیسم است و نمایانگر فرمان یوئیل به بیدار شدن می‌باشد. آغاز فصل پنطیکاست با بیدار شدن قوم خدا در 11/9 شروع می‌شود و درست پیش از قانون یکشنبه با تحقق مثل ده باکره پایان می‌یابد.

بیداری ۱۱ سپتامبر، فراخوانی است به نسل نهایی قومی عهدی که در ارتداد به سر می‌برند. بیداری‌ای که درست پیش از قانون یکشنبه رخ می‌دهد، در را بر روی قوم سابق عهد می‌بندد. آغاز و انجام یکسان‌اند، و در ژوئیه ۲۰۲۳، آن دو شاهد مکاشفه یازدهم به عصیان پیشگویی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بیدار شدند. بیداری میانی با عصیان بازنمایی می‌شود، که ۱۱ سپتامبر را به عنوان نخستین حرف الفبای عبری، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را به عنوان سیزدهمین حرف، و قانون یکشنبه را به عنوان بیست‌ودومین و آخرین حرف الفبای عبری معرفی می‌کند. حرف بیست‌ودوم، نمایانگر امتزاج الوهیت با انسانیت است که در آخرین آن سه بیداری به کمال می‌رسد.

خداوند در ۹/۱۱ «در استخوان‌های خشک حیات می‌دمد»، همان‌گونه که در آغاز دوره پنطیکاست، روح‌القدس را بر شاگردان دمید. شاگردان پس از عروج او نمایانگر کسانی هستند که روح‌القدس را دریافت کردند و پس از آن، فهم ایشان از کلام نبوی از طریق روش‌شناسی «حکم بر حکم» گشوده شد. دریافت روح‌القدس هنگام صرف غذا رخ داد، زیرا خوردن روحانی مستلزم آن است که گوشت و خون عیسی را، که همان کلام است، بخورید و بنوشید.

باغیانی که با قورح، داتان و ابیرام همراه شدند، نمایانگر همان طبقه‌ای هستند که—چنان که رهبری ادونتیسم در سال ۱۸۸۸ نیز بود—با مخالفت با پیام شیپور که گناهان قوم خدا را مشخص می‌سازد، سبب غریب می‌شوند، و در عین حال خواستار بازگشت به راه‌های کهن، یعنی حقایق بنیادی نمایانده‌شده به وسیله «هفت زمان» در لاویان بیست‌وشش نیز هستند. شیپور هم به احیا فرا می‌خواند و هم به اصلاح. نخستین جواهرات نبوی میلر، و نیز نخستین چیزی که از سوی ادونتیسم رد شد، نمایانگر آغاز و پایان جنبش میلری است. آغاز و پایان پیام فرشته اول، آن‌گونه که به وسیله

میلری‌ها اعلام شد، با «هفت زمان» موسی مشخص می‌گردد. در آغاز پذیرفته شد؛ در پایان رد گردید. به سبب آن رد، حزقیال ادونتیسیم را به صورت دره‌ای از استخوان‌های خشک مرده به تصویر می‌کشد. دوره ۱۸۶۳ تا قانون یکشنبه در ایالات متحده، بنا بر اشعیا بیست و دو، دره رؤیا است، اما بنا بر حزقیال، دره‌ای از استخوان‌های خشک مرده است. هر دوی آن دره‌های نبوی با دره یهوشافاط یوئیل منطبق‌اند، که یوئیل آن را همچنین دره تصمیم نیز می‌نامد.

با در نظر داشتن این مفاهیم، ممکن است این پرسش مطرح شود که چگونه در ۱۱ سپتامبر، کتاب یوئیل به همان پیامی بدل شد که پطرس در پنطیکاست بدان اشاره کرد؟ خواهیم کوشید این مفاهیم را در مقالات بعدی روشن سازیم.

«(نوشته شده در ۵ نوامبر ۱۸۹۲، از آدلاید، استرالایای جنوبی، خطاب به «برادرزاده و خواهرزاده عزیز، فرانک و هتی [بلدن]».)»

«چون به وسیله روح القدس منور شوید، تمام آن شرارت را در مینیاپولیس چنان که هست، آن گونه که خدا به آن می‌نگرد، خواهید دید. اگر در این جهان هرگز بار دیگر شما را نبینم، یقین بدانید که اندوه و پریشانی و بار جان را که بی‌هیچ سببی بر من وارد آورده‌اید، بر شما می‌بخشم. اما به‌خاطر جان خود شما، به‌خاطر او که برای شما مرد، می‌خواهم که خطاهای خود را ببینید و به آن‌ها اقرار کنید. شما با کسانی متحد شدید که در برابر روح خدا مقاومت کردند. شما تمام شواهدی را که نیاز داشتید در اختیار داشتید که خداوند از طریق برادران جونز و واگنر عمل می‌کرد؛ اما نور را نپذیرفتید؛ و پس از احساساتی که پرورانده شد، و سخنانی که بر ضد حقیقت گفته شد، آماده نبودید اعتراف کنید که خطا کرده‌اید، که این مردان پیامی از جانب خدا داشتند، و شما هم پیام و هم پیام‌آوران را خوار شمرده بودید.»

«هرگز پیش از این در میان قوم خود چنین خرسندی استوار از خویشتن و چنین عدم تمایل به پذیرفتن و اعتراف کردن به نور ندیده بودم، آنگونه که در مینیاپولیس آشکار شد. به من نشان داده شد که هیچ‌یک از آن گروهی که روح آشکار شده در آن جلسه را در دل پرورانده بودند، دیگر هرگز نور روشنی برای تشخیص دادن گران‌بهای حقیقتی که از آسمان برای ایشان فرستاده شده بود، نخواهند داشت، مگر آنکه غرور خود را فروتن سازند و اقرار کنند که محرک ایشان روح خدا نبود، بلکه ذهن‌ها و دل‌هایشان از تعصب آکنده بود. خداوند می‌خواست به ایشان نزدیک شود، آنان را برکت دهد و از ارتدادهایشان شفا بخشد، اما ایشان گوش فرا ندادند. آنان به همان روحی محرک بودند که قورح، داتان و ابیرام را الهام می‌داد. آن مردان اسرائیل مصمم بودند در برابر هر شاهی که خطای ایشان را ثابت می‌کرد مقاومت کنند، و در مسیر ناخشنودی و تمرد خویش پیوسته پیش رفتند تا آنکه بسیاری نیز از راه به در شدند تا با ایشان متحد گردند.»

«اینان که بودند؟ نه ضعیفان، نه نادانان، نه بی‌نوران. در آن شورش، دویست و پنجاه رئیس نامدار در جماعت، مردان صاحب‌نام، حضور داشتند. شهادت ایشان چه بود؟ «تمام جماعت مقدس‌اند، هر یک از ایشان، و خداوند در میان ایشان است؛ پس چرا خویشتن را بر فراز جماعت خداوند برمی‌افرازید؟» [اعداد 16:3]. هنگامی که قورح و همراهانش زیر داوری خدا هلاک شدند، مردمی که ایشان فریفته بودند، دست خداوند را در این معجزه ندیدند. تمامی جماعت در صبح روز بعد موسی و هارون را متهم ساختند که «شما قوم خداوند را کشته‌اید» [آیه 41]، و بلا بر جماعت واقع شد، و بیش از چهارده هزار تن هلاک شدند.»

«چون قصد کردم مینیاپولیس را ترک کنم، فرشته خداوند در کنارم ایستاد و گفت: "نه چنین؛ زیرا خدا در این مکان کاری برای تو دارد تا انجام دهی. مردم بار دیگر همان عصیان قورح، داتان و ابیرام را تکرار می‌کنند. من تو را در جایگاه درست قرار داده‌ام، هرچند آنان که در نور نیستند آن را به رسمیت نخواهند شناخت؛ به شهادت تو گوش فرا خواهند داد؛ اما من با تو خواهم بود؛ فیض

و قدرت من تو را نگاه خواهد داشت. این تو نیستی که خوار می‌شمارند، بلکه رسولان و پیامی را که برای قوم خود می‌فرستم. آنان نسبت به کلام خداوند اهانت روا داشته‌اند. شیطان چشمان ایشان را کور کرده و داوری‌شان را منحرف ساخته است؛ و مگر آنکه هر جان از این گناه خود، از این استقلال تقدیس‌ناشده‌ای که به روح خدا اهانت می‌کند، توبه کند، در تاریکی خواهند رفت. اگر توبه نکنند و بازگشت ننمایند تا ایشان را شفا دهیم، چراغدان را از جای خود برخواهم گرفت. بینایی روحانی خویش را تیره ساخته‌اند. نخواستند که خدا روح و قدرت خود را آشکار سازد؛ زیرا نسبت به کلام من روح استهزا و انزجار دارند. سبک‌سری، بیهوده‌گویی، بذله‌گویی و شوخی هر روز در میان ایشان معمول است. دل‌های خود را بر طلب من نهاده‌اند. در شراره‌های افروخته خویش گام برمی‌دارند، و اگر توبه نکنند، در اندوه خواهند خفت. خداوند چنین می‌فرماید: در پست وظیفه خویش بایست؛ زیرا من با تو هستم، و تو را ترک نخواهم کرد و رها نخواهم ساخت." این سخنان خدا را هرگز جرأت نکرده‌ام نادیده بگیرم.»

«نور در بتل کریک در پرتوهای روشن و درخشان تابیده است؛ اما کدام یک از آنان که در جلسه مینیاپولیس نقشی داشتند، به سوی نور آمده و گنجینه‌های غنی حقیقت را که خداوند از آسمان برای ایشان فرستاد، پذیرفته‌اند؟ چه کسانی گام به گام با پیشوا، عیسی مسیح، همراه شده‌اند؟ چه کسانی به‌طور کامل به شور و غیرت خطاکارانه خود، کوری خود، حسادت‌های خود و بدگمانی‌ها و پندارهای شیرانه خود، و سرکشی خود در برابر حقیقت، اعتراف کرده‌اند؟ هیچ‌یک؛ و چون مدت‌ها از ادعان به نور غفلت ورزیده‌اند، نور ایشان را بسیار پس سر گذاشته است؛ آنان در فیض و در معرفت خداوند ما، عیسی مسیح، رشد نکرده‌اند. ایشان از دریافت فیض لازم که می‌توانستند داشته باشند و آنان را در تجربه دینی، مردانی نیرومند سازد، بازمانده‌اند.»

موضعی که در مینیاپولیس اتخاذ شد، ظاهراً مانعی بود تسخیرناپذیر که تا حد زیادی آنان را در کنار شک‌کنندگان، پرسشگران، و ردکنندگان حقیقت و قدرت خدا محصور ساخت. هنگامی که بحران دیگری فرا رسد، کسانی که این‌چنین دیرزمانی در برابر ادله‌ای انباشته بر ادله ایستادگی کرده‌اند، بار دیگر در همان نکاتی آزموده خواهند شد که در آن‌ها چنین آشکارا ناکام ماندند، و برایشان دشوار خواهد بود که آنچه از جانب خداست بپذیرند و آنچه از قوای ظلمت است رد کنند. بنابراین، تنها طریق ایمن ایشان این است که در فروتنی گام بردارند و برای پاهای خود راه‌های راست بسازند، مبدا لنگ از راه منحرف گردد. این که با چه کسانی معاشرت می‌کنیم، تفاوتی بس عظیم پدید می‌آورد: آیا با مردانی که با خدا راه می‌روند و به او ایمان دارند و بر او توکل می‌کنند، یا با مردانی که از حکمت پنداری خود پیروی می‌کنند و در شراره‌های افروخته خویش گام می‌زنند.

زمان و مراقبت و زحمتی که برای خنثی کردن نفوذ کسانی لازم بوده است که بر ضد حقیقت کار کرده‌اند، خسارتی هولناک بوده است؛ زیرا ما می‌توانستیم سال‌ها در معرفت روحانی پیش‌تر باشیم؛ و اگر آنان که می‌بایست در نور سلوک می‌کردند، برای شناختن خداوند پیش می‌رفتند، تا بدانند که طلوع او همچون صبح مهیاست، نفوس بسیار، بسیار دیگری می‌توانستند به کلیسا افزوده شوند. اما هنگامی که ناگزیر باید این‌همه زحمت درست در خود کلیسا صرف شود تا نفوذ کارگرانی خنثی گردد که همچون دیواری از گرانبه‌ای در برابر حقیقتی که خدا برای قوم خود می‌فرستد ایستاده‌اند، جهان در تاریکی نسبی واگذاشته می‌شود.

«خداوند مقصود داشت که دیده‌بانان برخیزند و با صداهایی متحد، پیامی قاطع را اعلام کنند و کرنا را به آوایی معین بنوازند، تا همه قوم به جایگاه وظیفه خویش بجهند و سهم خود را در آن کار عظیم ایفا کنند. آنگاه نور نیرومند و روشن آن فرشته دیگر که از آسمان با قدرتی عظیم فرود می‌آید، زمین را از جلال خود پر می‌ساخت. ما سال‌ها عقب مانده‌ایم؛ و آنان که در کوری ایستادند و پیشرفت همان پیامی را که خداوند قصد داشت از اجتماع مینیاپولیس چون چراغی فروزان به پیش رود، بازداشتند، نیاز دارند که دل‌های خود را در حضور خداوند فروتن سازند و ببینند و

دریابند که این کار چگونه به سبب کوری ذهن و سختی دل ایشان مانع یافته است.”

«ساعت‌ها صرف مجادله بر سر امور جزئی شده است؛ فرصت‌های زرین تباه گردیده، در حالی که پیام‌آوران آسمانی، اندوهگین و از این تأخیر بی‌صبر، نظاره‌گر بوده‌اند. روح‌القدس—از ارزش آن و از ضرورت این‌که هر جان آن را دریافت کند، قدردانی بسیار اندکی شده است. آنان که این عطای آسمانی را دریافت می‌کنند، آراسته به زره عدالت، برای نبرد به‌خاطر خدا به پیش خواهند رفت. آنان هدایت‌های خداوند را حرمت خواهند نهاد و از بهر رحمت او نسبت به خویش، از سپاسگزاری به او لبریز خواهند شد. اما در بسیاری، بسیاری از جاها، و در بسیاری، بسیاری از مواقع، به‌راستی می‌شد همان‌گونه که در روزگار مسیح درباره کسانی که مدعی بودند قوم خدا هستند گفته شد، گفت که به سبب بی‌ایمانی ایشان، کارهای عظیم بسیاری نتوانست انجام شود. بسیاری که در زنجیرهای تاریکی بسته بوده‌اند، مورد احترام قرار گرفته‌اند، زیرا خدا از آنان استفاده کرده است، و بی‌ایمانی ایشان شک و تعصب را بر ضد پیام حقیقتی برانگیخته است که فرشتگان آسمان می‌کوشیدند از طریق عاملان انسانی آن را ابلاغ کنند—عادل‌شمردگی به‌واسطه ایمان، عدالت مسیح.» The 1888 Materials, 1066–1070.